



اول فبروری 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش بیستم)

انگیزه ها و موجبات روی آوردن هردو طرف برای متارکه و مصالحه:

اینکه چرا شاه امان الله (با وجود مخالفت بعضی شخصیت های مؤثر - از جمله سردار عبدالقدوس خان صدراعظم، سپه سالار محمد نادرخان و از همه مهمتر حضرت صاحب فضل محمد مجددی شمس المشایخ که روحانی مبارز، ضد انگلیس و شخصیت با نفوذ در بین قبایل بودند و تعدادی دیگر) پیشنهاد متارکه انگلیسها را فوراً قبول کرد، جنگ را متوقف ساخت و راه حل سیاسی را در پیش گرفت، دلالتی وجود دارند که اهم آنرا مختصراً ذکر میدارم:

1 - ضعف قوای نظامی دولتی افغانستان و اتکای بیشتر به قوای قومی و در مقابل باتمام برتری های نظامی که انگلیسها داشتند، برای اولین بار در این جنگ از قوای هوایی (طیاره) استفاده کردند؛

2 - ترس از اینکه با تداوم جنگ و ضعف قوای افغانی، موفقیت های نظامی حاصله در جبهه جنوبی که میتوانست آغازیک عملیه سیاسی مساعد باشد، نیز از بین برود و موقف جانب افغانی در مذاکرات سیاسی ضعیف گردد؛

3 - خطر اینکه انگلیسها از وسیله همیشگی تطمیع یک عده سران قبایل و اقوام کار گیرند و آنها قوای خود را از جنگ بیرون بکشند و قوای دولتی را در ادامه جنگ تنها گذارند؛

4 - واضح بود که در صورت تداوم جنگ از یکطرف افغانستان بسوی روسها کشانیده میشد و از طرف دیگر روابط سیاسی با انگلیسها قطع میگردد. شاه امان الله میخواست با سیاست "بیطرفی فعال" از رقابت روس و انگلیس به نفع کشور استفاده کند و لذا آرزو نداشت بیک طرف وابسته بماند؛

5 - ختم جنگ عمومی اول موقف انگلیسها را در هند به مشکل مواجه ساخته بود و نیز آنها از پیشرفت احتمالی روسها بطرف جنوب شدیداً ترس داشتند، لذا شاه امان الله با درک همین وضع، شرایط جهانی و منطقی را برای حصول استقلال کشور از طریق سیاسی بسیار مساعد میدانست که باید از آن استفاده فوری بعمل آید؛

6 - در صورت تداوم جنگ، نفوذ رؤسای قبایل و همچنان علمای دینی در کشور بسیار زیاد می شد، بخصوص نفوذ خانواده های روحانی که از همه بیشتر خواهان قدرت سیاسی وسیع به حیث "شریک السلطنه" بودند که در نتیجه افغانستان بار دیگر به نظام قبایلی دوره قبل از امیر عبدالرحمن خان برگشت میکرد، دولت ضعیف می شد و بساط خانه جنگی ها هموار میگردد و آرزومندی دولت جهت آوردن اصلاحات برآورده نمی شد. لذا شاه امان الله صواب را در آن دید تا در چنین موقع حساس خودش تصمیم اتخاذ نماید. طرح موضوع با بزرگان قومی شریک در جهاد از یکطرف وقت بیشتر را احتوا میکرد و عملاً از نظر تخنیکی در چنان وقت کوتاه میسر نبود و از طرف دیگر ترس از پیدا شدن اختلاف نظر و استفاده سوء انگلیسها از این اختلاف نظر موجب ضعف موقف رسمی دولت میگردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

داکتر عبدالرحمن زمانی عوامل ذیل را نیز در قبولی پیشنهاد متارکه مؤثر میدانند (صفحه 138 تا 140):  
الف) ناکامی قوای عسکری افغان در جبهه خيبر و ناتوانی عمومی شان در پیشروی به قلمرو هند برتانوی، ولوکه قوت‌های قومی در حال پیشرفت بودند، اما برای مدت طولانی توان نگهداشت سرزمینهای مفتوحه را نداشتند و ناگزیر باید آنرا به قوای دولتی افغانستان می سپردند و قوای دولتی نیز در اینکار دچار ضعف و مشکل بود؛

ب) شکست و سرکوب قیام مردم در پشاور بوسیله قوای انگلیسی؛

ج) سرکوبی و تضعیف قیام سرتاسری مردم در داخل هند برتانوی؛

د) سهم نگرفتن بعضی از قبایل سرحدی در جنگ به دلیل تطمیع شان از طرف انگلیس ها؛

ه) استفاده انگلیسها از ستون پنجم یا هواداران آنها در داخل کشور و ایجاد ناامنی و چور و چپاول در جلال آباد.

در اینجا باید تذکر داد که شاه امان الله در نامه های خود عنوانی سرکردگان جبهات اکیداً نوشت که متارکه فقط به مقصد شروع مذاکرات جهت رسیدن به توافق مبنی بر شناسائی استقلال کامل افغانستان از طرف انگلیس ها صورت گرفته و اگر چنین هدفی برآورده نشود، جهاد مردم افغانستان ادامه خواهد داشت و در این ارتباط در پایان یک نامه خود عنوانی سپهسالار محمد نادر خان این بیت را نوشت:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید \*\*\*\* یاجان رسد بجنانان یا جان ز تن برآید

اینکه چرا انگلیسها به عجله متارکه را پیشنهاد کردند، چند دلیل دارد:

یکی - آنها با آمدن فصل گرما و نیز خستگی مفرط قوای هندی از جنگ جهانی اول، ادامه جنگ را در ساحات حساس قبایل ماورای خط دیورند یک جنگ فرسایشی و دوامدار ارزیابی میکردند و از نظر نظامی پیشبرد جنگ را بحال خود مفید نمی دیدند؛

دو - هنوز جنگ در جبهه جنوبی ادامه داشت که حکومت بلشویکی روسیه بتاريخ 27 مارچ 1919 اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و انگلیس ها میدانستند که در صورت ادامه جنگ پای روسها در افغانستان کشانیده میشود و اینکار برای انگلیسها غیر قابل تحمل بود؛

سه - آتش جنگ بیشتر در ساحات قبایلی تحت نفوذ انگلیسها گسترش می یافت و آن ساحه که حیثیت منطقه "حایل" را برای انگلیسها داشت، به میدان جنگ و مرکز ناآرامی ها در منطقه تبدیل می گردید و این وضع برای انگلیسها در دسر فراوان خلق میکرد. چنانچه لندن به هندوستان این نکته را خاطر نشان کرد که: ما از سپاه منظم افغانها ترس نداریم، بلکه از قبایل غیر منظم که بصورت پیگیر برکمپ های منفرد خطوط مواصلات ما حمله میکنند، هراسان هستیم.

**تبادل نامه ها بین وایسرا و شاه امان الله:**

بعد از اعلام متارکه چند مکتوبی بین وایسرای هند برتانوی لارڈ چلمسفورد و شاه افغانستان رد و بدل شد که متن آنها در دست نیست؛ ولی میرغلام محمدغبار تنها به نقل دو نامه که بین دو جانب تبادل شده موفق گردیده است: یکی نقل مکتوب وایسرای هند عنوانی شاه امان الله که در 22 رمضان 1337 هجری قمری (مطابق 21 جون 1919م) فرستاده بود و دیگر جوابیه شاه امان الله به نامه فوق الذکر وایسرا که متن مکمل آنها در کتاب مذکور (از صفحه 770 تا 774) درج میباشند، و اما مختصر آن در ذیل تقدیم میگردد. (در این دونا مه طرفین طبق معمول آنوقت یکدیگر خود را به کلمات "مشفق" و "دوستدار" یاد کرده اند)

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

## مختصرنامه وایسرا به شاه امان الله:

نامه مورخ 22 رمضان 1337 هجری قمری (21 جون 1919) وایسرا چلمسفرورد (دوستدار) به شاه امان الله غازی (مشفق) که به جواب نامه ده روز قبل شاه امان الله (مورخ 12 رمضان - 11 جون) نگاشته شده، حاوی شش فقره میباشد که مختصر آن چنین است:

در فقره اول وایسرا خاطر نشان می سازد که: «تعدادی از افواج نظامی افغان هنوز در سمت سرحد ما میباشد، مخصوصاً در نواحی کوتل پیوار؛ آنها را باید فوراً پس ببرند، مادامیکه یکنفر افغان نظامی هم طرف سرحد ما بماند، مذاکرات صلح خارج از مسئله میباشد و چاره دیگر ندارد، مگر اینکه مخاصمت مجدداً شروع شود.» وایسرا در این فقره از شاه امان الله خواهش مینماید تا: احکام صادر کند که هیچ جمعیت از اهالی قریه جات و اقوام و اولس (مقصد اقوام سرحدی است) در نواحی افواج نظامی آنها جمع نشوند، در غیر آن به جنرالهای خود صلاحیت پراکنده ساختن شانرا داده است.

در فقره دوم اشاره به مشکلاتیکه شاه امان الله در مورد کنترل فعالیت اقوام سرحدی نوشته بود، وایسرا اکیداً خواهش کرده تا شاه احکام مؤکد به مردمان خود صادر نماید و از آنها بخواهد که در محلات نظامی انگلیسها نزدیک نشوند، در غیر آن طیارات آنها و ارسی خود را جاری خواهند داشت تا افواج شان از چنین جمعیت های اقوام مخالف محفوظ بمانند.

در فقره سوم بار دیگر تأکید بر آنست که طرف افغان بکوشد تا اقوام سرحدی را از ادامه فعالیت باز دارد؛ وایسرا می نویسد: «در وقتیکه مذاکرات صلح بین ما در پیش است، ناممکن است که اقوام در حالت شبهه و هیجان گذاشته شود و چون از اقدامات آن مشفق (یعنی شاه امان الله) برانگیخته گردیده اند، بعهده آن مشفق است که آنها را بر وفق شرح مندرجه متنبه نماید.»

در فقره چهارم وایسرا تصریح میکند که دولت او هرگز راضی نخواهد شد که بیشتر ازین هیچ تغییری در شرایط متارکه مخاصمه بعمل آورد و اما حاضر است احکام لازم را در باب پذیرائی مامورین منتخبه افغانی در راولپندی صادر نماید. در فقره پنجم وایسرا ضمن معرفی رئیس هیئت طرف انگلیسی "سرهملتن گرانت"، از شاه امان الله خواسته است هیئت افغانی را نیز معرفی دارد تا انتظامات لازم تدارک گردد. در فقره ششم وایسرا ابراز امیدواری کرده تا یک مستقبل درخشان و برقراری مجدد روابط دوستانه بین دولتین برقرار گردد.

این بود مختصر نامه وایسرا عنوانی شاه امان الله غازی در موقعیکه هنوز جنگ در جبهات ادامه داشت و در جبهه جنوبی افغانها به کمک اقوام سرحدی در حال پیشرفت بودند، ارسال گردید.

جوابیه شاه امان الله به وایسرا:

شاه امان الله متعاقباً طی نامه مفصل به جواب نامه فوق الذکر وایسرا پرداخت که متن آنرا مرحوم غبار در کتاب خود نقل کرده است و اینک نکات مهم آن مختصراً تقدیم میشود (در این نامه مقصد از "دوستدار" شاه امان الله غازی است):

نامه با این عبارت آغاز میگردد: «مراسله محبت سلسله آندوست مشفق مهربان مورخه 22 رمضان 1337 هجری قمری مطابق 21 جون 1919 بتاریخ 26 رمضان واصل گردیده باعث مزید اتحاد و مؤدت گردید، آندوست محترم و مهربان را متوجه بخیالات دوستانه خیراندیشانه دوستدار مینمایم که: مدعا و مقصد کلی فیما بین دولتین علیتین از روابط اتحاد و قیام دوستی طرفین ملحوظ است، پس چون

خیالات طرفین بنا بر خیر طرفین مایل و جاهد به صلح طرفین و لحاظ شرف دولتین میباشد، لازم است که توجه دولتین بر التیام جراحات سابقه باشد و کوشش برای این باشد که وضعی به رویکار آید که غلط فهمی های سابقه بر طرف شده اتحاد و ارتباط جدید مؤدت انگیزی بر رویکار آید که طرفین از آن استفاده حاصل کند. لیکن مکتوب آخرین فوق الذکر دوستدار کاملاً باعث اثبات خیالات فوق و آنچه لازم وقت باشد، نبوده بعضی خلل های اندکی بتصور دوستدار رسانیده و از آن متأثر گردانیده است. پس لازم شمرده شد که در باب فقرات خواهشات دوستدار که در باب متارکه میباشد، دوستدار را متوجه نمایم و آنچه مصلحت وقت باشد، آن دوستدار را از روی خیالات خیر اندیشانه عاقبت اندیشانه خود مستحضر سازیم که:

درباب فقره اول که افواج نظامی افغانی بقدر 20 میل از افواج دولت برتانیه دورباشند، دوستدار مینگارد که چون خیالات خیراندیشانه آندوست مهربان و اظهارات اولین شانرا مشعر بر خواهش مصالحه دانستم و در دفع خونریزی فیما بین دولتین علیتین را مدنظر داشتند و این دوستدار هم خیالات آندوست مهربان خود را خیرخواهانه و بصواب قرین تصور بالیقین کردم، خواهشمند صلح گردیده حرف متارکه در بین آورده شد. لهذا چون خیال آندوست مهربان را قایم بر این دیدم و ملاحظه نمودم که افواج نظامی افغانی 20 میل از افواج برتانیه دور باشد، در اکثر حصه جات مملکت خود همین کارروائی را، با وجودیکه در مراسله آن مشفق زبان نداده بود، اجرا نمودم و برای فوج مقیمه سرحد چمن و کوتل پیوار احکام نمودیم که بقدر 10 میل دور از مقابل فوج شما اقامت پذیرد، الی زمان تصفیه مکالمات و مذاکرات بشوند، گویا در حقیقت این خواهش آندوست کاملاً منظور گردیده، لیکن افواج نظامی دولت برتانیه به سبب دفع تکلیف بعضی دیره جات سرحدی و تسکین جوش فوق العاده رعایای داخله و جلوگیری شان از محاربه، این دوستدار لازم میدانند که بمقابل کارروائی ما که ده میل افواج خود را در حدود کوتل پیوار و چمن و در باقی سرحدات خود از 10 میل الی 20 میل احکام دور شدن را داده ایم، دوستدار هم لازم است که افواج خود را از قلعه نو سمت چمن به چمن و از حدود دکه را به لوارگی منتقل نمایند و به حدود سرحدات سابقه خود الی زمان تصفیه متارکه و مصالحه که فیما بین دولتین میشود، لحاظات طرفین مدنظر طرفین میباشد، نه اینکه از یکطرف هر چه گفته شود طرف دیگر قبول کند، این از انصاف قدری بعید است و لازم است که آن دوستدار به تعمق در این باب نظر نمایند. زیاده اصرار دوستدار در این باب چه خواهد بود، طوالت و پیچیدگی در این چنین فقرات جزئی و ارسال مرسول باعث خلل خیالات طرفین گردیده تأثیری خواهد بخشید که از آن نتیجه به ظهور آید که معامله موجوده را شکل دیگر داده منجر به غلط فهمی و فساد خواهد گردانید. دوستدار تعطیل این قسم فقرات را به لحاظ خیراندیشی و دوستی فیما بین دولتین لازم نمیدانند.»

در ادامه نامه در باب پرواز طیارات برتانوی در داخل افغانستان و حتی در حواشی سرحد بعد از ذکر دلایلی که همچو پروازها موجب اخلال اوضاع میشود، مطالبی بیان گردیده و گفته شده است که: «از آمدن طیاره های شما ضرور یک هیجان فوق العاده برای مردم ما عاید میشود و فیرهای تفنگ باوجود امتناع سخت ما، بالای طیاره های دولت برتانیه می نمایند و از طیاره های شما، بقراریکه ارقام داشته اند، بمباری بالای مردم خواهد شد و ضرر مالی و جانی برایشان خواهد رسید و این نتیجه بسیار خراب خواهد بخشید و در اینصورت متارکه نشد، بلکه منازعه و مخاصمه شد، چون هر دو دولت خیال مصالحه را دارند و خیر طرفین را به همین میدانند، چه ضرور که اینطور اوضاع در بین واقع شود..... دوستدار به هیچ صورت بلحاظ خیر طرفین گردش طیاره های شما را بالای حصه جات خاک داخله افغانستان مناسب نمیدانند.»

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در مورد شکایت انگلیس ها از اقدامات مردمان سرحدی و برانگیخته شدن آنها و اینکه بعضی از آنها اگر در افغانستان پناه گزین شوند، باید جا داده نشده و خارج کرده شوند، در این نامه جواب صریح ارائه گردیده و گفته شده است که دولت افغانستان آنها را "برانگیخته" نساخته و «به ایشان خبر داده است که از این به بعد در صدد این خیال نباشند و بعد از این باب کارروائی نکنند. در باب پناه گرفتن نفری سرحدی و یا غیر آن در حال و در مال چون رسم عالم بر اینست که نفری یک دولت بدیگر دولت در هر باب پناه گزین شوند، واپس داده نمیشوند و پناه داده میشوند... [چنین درخواست] هم از قانون عالم و هم از انسانیت خارج است و علاوه بر همه حسب مذهب هم برای پناه گزین خواه از هر مذهب باشد و پناه در ملک اسلام روی بیاورد، کشیدن و پناه ندادن شان ناجائز است... اگر خیالات گورتمنت برتانیه از مصالحه باشد، در این قسم امورات جزئی پیچیدن چه ضرور؟ و اگر خیالات از مصالحه نباشد، پوره دانسته خاطر این دوستدار کرده شود تا از مدعا ما هم بدانیم. و برای دوستدار از این فقره تعجب دست داده که از یکطرف آندوست مهربان مراسله مؤدت مرسله خود اظهار سرور، موافقت و یگانگی را نشان داده سلسله از دیاد دوستی فیما بین دولتین را خواهشمند است... و از طرف دیگر در شرایط صرف متارکه مؤقتی اینقدر به امورات غیر ضروری که از آن فائده صریحی برای دولت آن دوستدار به نسبت دوستی دولت افغانستان اصل باشد، عاید نیست، می پیچد و سخت میگیرد. از این قدری تشویش بر اوضاع غیر متوقع وقت برای این دوستدار حاصل شده دوستدار برای آن دوست مهربان معاً افسوس می نگارد که نتیجه این اوضاع بر اجتناب مصالحه از طرف این دوستدار هم بوقوع خواهد رسید، والا دوستدار هرگز راضی به این نمیباشد که بر رشته اتحاد دوستی که از سالهای دراز دول علیه مستقله افغانستان با دولت بهیه معظمه برتانیه دارد، منقطع و مبدل به مجادله و مخاصمه گردد.»

در پایان جوابیه، شاه امان غازی از معرفی سرهملتن گرانت به حیث رئیس هیئت مذاکره کننده طرف برتانیه ابراز خشنودی و امیدواری میکند که «همین پیچیده گی ها و غلط فهمی ها در بین بوقوع رسیده، بر طرف شده معامله یک صورت درست که خیر طرفین در آن باشد، و بشرف دولتین علیتین تصفیه شود» و ضمناً رئیس هیئت مذاکره کننده طرف افغانی را که علی احمد خان ناظر (وزیر) داخله میباشد با اعضای معیتی و همراهان شان معرفی مینماید که آماده سفر به آن طرف میباشد. (این بود مختصر مطالب مهم مکتوب شاه امان الله به جواب و ایسرای هند که متن مکمل آن در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ"، صفحه 772 تا 774 درج است.)

(ادامه دارد)